

پیش درآمدی



پیش درآمدی بر مکتب-
شناسی فقهی، به کوشش سعید
ضیایی فر، قم: پژوهشگاه علوم و
فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۶.

کتاب شامل دو بخش با نام‌های «گامی در شناخت مکتب-های فقهی» و «گفت‌وگوها»، یک کتاب‌نامه، یک نمایه و فهرست تفصیلی گفت‌وگوهاست.

بخش اول در دو فصل سامان یافته که فصل نخست به موضوع ضرورت و فواید ارائه فقه اسلام به صورت مکاتب می‌پردازد. نویسنده در این فصل، بصیرت بیشتر فقه‌پژوه، آسان شدن آموزش فقه، معرفی آسان فقه و شناخت نقاط قوت و ضعف فقه را به عنوان فواید مکتب‌شناسی ذکر می‌کند. در فصل دوم اختلاف نظر در منابع، مبانی و روش‌های فقه، معیارهای تفکیک مکاتب فقهی دانسته شده و در ذیل آنها مواردی همچون اختلاف در تعداد منابع، تفسیر منابع، شرایط اعتبار منابع، مبانی تفسیر متنی، مبانی حدیث‌شناسی، مبانی کلامی، عقلی یا نقلی بودن روش فهم احکام و انفرادی یا انضمامی بودن روش فهم احکام به عنوان زیرشاخه‌های معیارهای تفکیک مکاتب فقهی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

در پایان بخش اول، مؤلف، سسی کتاب و مقاله را نیز ذیل عنوان مأخذ شناسی روش‌ها و مکاتب فقهی در فقه امامیه آورده و سپس وارد بخش گفت‌وگوها شده است. نخستین گفت‌وگو با مصطفی ملکیان، استاد حوزه و دانشگاه، صورت گرفته و وی به پرسش‌هایی از این قبیل پاسخ گفته است: ویژگی‌ها و شاخصه‌های مکتب در علوم چیست؟ عوامل پیدایش مکاتب در علوم گوناگون چه بوده است؟ آیا می‌توان مکاتب را ارزش‌گذاری کرد؟ در کدام یک از علوم اسلامی مکتب شکل گرفته است؟ آگاهی از مکاتب یک علم برای کسی که در آن رشته علمی تحصیل یا تحقیق می‌کند، به چه میزان لازم است و چه فوایدی دارد؟ چگونه می‌توان این قبیل مباحث را در نظام آموزشی - پژوهشی حوزه نهادینه کرد؟

به اعتقاد ملکیان، مکتب فاقد پیشینه معنایی در فرهنگ اسلامی بوده و از مغرب زمین به میان ما راه یافته است؛ از این رو سیر طبیعی بحث، اقتضای استقرای موارد کاربرد آن در علوم

است. وی همچنین بر این باور است که موارد پنج‌گانه‌ای منشأ ایجاد یک مکتب و تمایز آن با مکاتب دیگر می‌شود: ۱. اختلاف نظر در روش‌های تحقیق در یک علم ۲. اختلاف نظر در مهم‌تر دانستن وجهی از وجوه یک علم ۳. اختلاف نظر در تقدم یا تأخر پرداختن به یک مسئله ۴. بومی شدن یک علم ۵. اختلاف نظر در قلمرو و موضوع علم.

وی در ادامه میان مکتب در «تاریخ علم» و مکتب در خود «علم» تفاوت قائل شده و شرط تحقق مکتب در یک علم را آن می‌داند که در زمان حاضر، میان صاحب‌نظران آن علم اختلاف وجود داشته باشد، و معتقد است، اختلاف نظر صاحب‌نظران پیشین یک علم یا اختلاف نظر صاحب‌نظران کنونی (بی‌آن‌که اختلاف نظری میان آنان در زمان کنونی باشد) با صاحب‌نظران پیشین، سبب به وجود آمدن مکتب نمی‌شود.

ملکیان همچنین میان علم و علوم مقدماتی آن و به تبع بین مکتب در علم فقه و مکتب در علوم مؤثر در این علم فرق می‌گذارد و بر این اساس، وجود مکتب را مثلاً در علم اصول می‌پذیرد، ولی تکوّن آن را در خود علم فقه محرز نمی‌داند. او معتقد است که تنها در بحث قلمرو فقه اختلاف نظرهایی میان صاحب‌نظران آن به چشم می‌خورد.

در گفت‌وگویی دیگر حجت‌الاسلام شب‌زنده‌دار تحقق مکتب را بر اساس اختلاف نظر در یکی از مقومات علوم؛ یعنی موضوع، مسائل، اغراض، مبادی و منابع ممکن می‌داند، مشروط بر آن‌که این اختلاف نظرها به اختلاف نظر چشم‌گیر در مسائل یا روش‌ها بیانجامد.

وی اختلاف نظر اصولیان و اخباری‌ها در تعداد منابع فقه (حجیت و عدم حجیت عقل)، اختلاف انفتاحی‌ها و انسدادی‌ها در امکان دست یافتن به حکم شرعی از طریق علم یا ظن، اختلاف نظر در حجیت نوع خبر واحد، اختلاف نظر در نقش فتوای مشهور و اختلاف نظر در روش بحث (نظیر تقدم بحث از مقتضای ادله عامه و قواعد بر بحث از مقتضای ادله خاصه یا برعکس) را از جمله زمینه‌های به وجود آمدن مکاتب گوناگون فقهی می‌داند.

حجت‌الاسلام شب‌زنده‌دار اختلاف در مسائل اصولی، رجالی و قواعد فقهی، تفاوت دیدگاه در لزوم آگاهی از فقه اهل سنت در اجتهاد و اختلاف در کیفیت و ترتیب استفاده از منابع فقهی در ابواب عبادات و غیر عبادات را در پیدایش مکاتب فقهی مؤثر می‌داند، اما درباره مکاتب آفرینی اموری چون مبانی فلسفی، کلامی و اخلاقی در اجتهاد تردید می‌کند.

حجت‌الاسلام عابدی شاهرودی نیز بر این اعتقاد است که هر علمی برای کشف و اثبات مسائل، سیستمی دارد که به دو بخش تقسیم می‌شود: بخش مشترک میان عقول و علوم بشری و بخش مخصوص به یک علم؛ و مکتب فقهی در اثر ظهور نظریه‌های بنیادین در بخش اختصاصی علم پدید می‌آید.

از نظر وی علم فقه مستعد پیدایش مکتب است؛ زیرا مسائل بنیادی فراوانی دارد که اختلاف نظر در آنها به چشم می‌خورد، نظیر اختلاف در مسائل علم اصول، ملازمه میان حکم عقل و حکم شرع و حجیت مطلق ظن یا حجیت ظنون خاصه.

این استاد حوزه و دانشگاه در عین حال تحقق مکتب را مشروط به نبود مانع می‌داند و در این باره می‌گوید:

برای مثال، شیخ طوسی قائل به حجیت خبر واحد و سید مرتضی منکر حجیت آن، و این اختلاف مقتضی پیدایش مکتب فقهی است؛ اما از آنجا که شیخ بیشتر احادیث امامیه را خبر واحد می‌شمارد و سید بیشتر آنها را خبر محفوف به قرینه قطع آور، میان آن دو اختلاف چندانی در فقه پدید نیامده و مکتب فقهی‌ای هم شکل نگرفته است. حال آنکه اختلاف نظر اخباری‌ها و اصولی‌ها در بسیاری از مسائل، مقتضی به وجود آمدن مکتب فقهی بوده و مانعی هم بر سر راه آن وجود نداشته است و به همین علت دو مکتب اصولی و اخباری شکل گرفته است.

وی شرط دیگر پیدایی مکتب را تأثیر نظام‌مند (سیستماتیک)

می‌داند و از این رو آگاهی از فقه اهل سنت را در اجتهاد، به دلیل این که نظام‌مند نیست، موجب تحقق مکتب نمی‌داند. همچنین وجود مباحث کلامی و اخلاقی را در اجتهاد مستقیماً سبب ایجاد مکاتب فقهی نمی‌داند و می‌گوید این‌ها مقتضی پیدایش مکاتب اصولی‌اند و از طریق علم اصول ممکن است موجب به وجود آمدن مکاتبی در علم فقه شوند.

گفت و گو با حجت‌الاسلام والمسلمین هادوی تهرانی آخرین گفت‌وگوی کتاب است که وی در آن چنین می‌گوید: واژه مکتب هنوز به حد اصطلاح نرسیده است تا جعل اصطلاح برای آن برخلاف چارچوب‌های پذیرفته شده علم باشد، بلکه اساساً دلیلی بر لزوم پیروی از این اصطلاح‌ها وجود ندارد. تعریفی که او از اصطلاح مکتب ارائه می‌کند، اختلاف نظر صاحب‌نظران یک علم در دو امر است: مبانی و روش‌ها. وی اختلاف در امور دیگری مثل اهداف و موضوع علم را موجب پیدایش مکتب نمی‌داند.

هادوی تهرانی بر وجود مکاتبی در فقه صحه می‌گذارد و مذاهب فقهی حنفی، حنبلی، شافعی و مالکی را از جمله آنها می‌داند؛ زیرا در مبانی و روش‌ها اختلاف نظر دارند. وی همچنین اختلاف میان اصولی‌ها و اخباری‌ها را مکتب‌ساز می‌داند که یکی روش عقلی را در فقه معتبر نمی‌داند و دیگری از روش عقلی استفاده می‌کند و بلکه آن را در زمره منابع علم فقه به شمار می‌آورد.

وی سپس اختلاف در سایر مباحث اصولی را مصداق اختلاف در مبانی و موجب پیدایش مکتب در فقه می‌داند، همان طور که اختلاف در قواعد فقهی را در تحقق مکاتب فقهی مؤثر ارزیابی می‌کند.

اختلاف در مباحث رجالی، لزوم یا عدم لزوم آگاهی از فتوای قدما و نیز فقه اهل سنت در اجتهاد، لزوم و عدم لزوم مراجعه به کارشناسان در موضوع شناسی و اعتقاد به یکسانی و نایکسانی ابواب عبادات و غیر عبادات در کیفیت استنباط، از جمله موارد دیگری است که وی آنها را باعث به وجود آمدن مکتب معرفی می‌کند.

کتاب‌نامه مفصل در بخش دوم، نمایه‌های گوناگون و فهرست تفصیلی گفت‌وگوها، امکاناتی است که می‌تواند باعث بهره‌گیری بهتر و بیشتر از پیش در آمدی بر مکتب‌شناسی فقهی شود.